بحث و نظر: قیمت نفت و انرژی چگونه باید تعیین شود؟

مقدمتا توجه خواننده را به این نکته جلب‏ میکند که:گزارش زیر،نظر شخصی یک‏ کارشناس است و الزاما منعکس‏کننده نظر اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تلقی نمی‏شود. اینک رئوس نظرات در این زمینه که بصورت‏ بسیار خلاصه نوشته شده است:

1-اصولا قیمت نفت و انرژی نیز مانند هر کالای دیگری باید بر مبنای قیمت واقعی تولید و با رعایت منافع ملی و در چارچوب رعایت حال‏ مصرف‏کنندگان و حفظ حقوق آیندگان تعیین‏ شود.

2-چون نفت و گاز از معادن بدست می‏آید و معادن جزو انفال و نهایتا ملک دولت که ولی‏ عموم تلقی میشود محسوب میشود،حق دارد برای‏ آن قیمتی عادلانه تعیین نموده و با احتساب‏ کلیه هزینه‏ها از جمله هزینه‏های سرمایه‏گذاری- استهلاک(با رعایت اصل هزینه جایگزینی) و اداره و بهره‏برداری از آنها نرخی اعلام نماید که ادامهء بهره‏برداری سالم از آنها را میسر سازد.

3-از سوی دیگر تعیین نرخی باید در حد توان جامعه باشد بنحوی که در جامعه ایجاد تشنج و ناراحتی ننماید،و بهمین جهت اینک‏ که بخواست خداوند تبارک و تعالی امور مالی‏ کشور میرود که براساس صحیح و منطقی استوار گردد،باید ضوابط صحیحی که جامع و مانع‏ بوده،یعنی هم حداکثر منافع دولت را حفظ کند و هم در امور کشور ایجاد اخلال ننماید، تعیین و تصویب شود و بموقع اجرا گذاشته شود.

4-مصرف مواد نفتی و انرژی اینک در کشور متأسفانه اغلب صورت به هدر رفتن منابع و ثروتهای ملی را دارد.ممکن است در مقایسهء سرانه مصرف نفت و انرژی کشور ما در حال حاضر مقام بسیار بالائی نداشته باشد،اما بدون شک‏ در مقایسه با سرانهء تولید ناخالص ملی رقمی‏ بسیار قابل ملاحظه را تشکیل میدهد.معنی این‏ امر اینست که انرژی بیش از آنکه تولید ناخالص‏ ملی می‏طلبد مصرف میشود.اگر این روند ادامه‏ پیدا کند،در مدتی کوتاهتر از آنچه تصور میشود،نفت برای صادرات نخواهیم داشت و اگر تدابیر لازم و اساسی را پیشاپیش نیندیشیم‏ شاید نتوانیم بموقع محلی برای جایگزینی ارز حاصل از نفت بدست آوریم.

5-براساس آنچه گفته شد در زمینه سیاست‏ نفت و انرژی دو هدف باید تعقیب شود:

یکم-تعیین قیمت عادلانه برای این کالا برای‏ مصرف‏کننده-تا کسانی که از آن استفاده‏ میکنند قیمت عادلانه آنرا بپردازند و کسانیکه مصرفی ندارند،هزینه‏ای‏ نپردازند،بلکه عواید حاصل از انفال‏ براساس فقه اسلامی به کسانیکه باید از آن‏ استفاده کنند عادلانه تقسیم شود.

دوم-از اسراف،که در اسلام نهی شده است، پرهیز شود و انرژی عمدتا بمصرف‏ طرحهائی برسد که در بالا بردن ارزش‏ افزوده و تولید ناخالص ملی و نهایتا تولید ناخالص سرانه و بالا بردن سطح‏ اشتغال در جامعه مؤثر باشد.

6-قیمتها و هزینه‏ها باید کاملا شفاف شود تا هیچ هزینه‏ای تحت سایه و پوشش هزینه دیگر قرار نگیرد و به این صورت بتوان قیمت واقعی‏ تمام شده نفت را-با رعایت کلیه هزینه‏های‏ ارزی و ریالی و استهلاک و دیگر ارقام مؤثر در محاسبات اقتصادی و در عین حال در نظر گرفتن‏ منافع حال و آیندهء کشور تعیین نمود.اینکه‏ قیمت نفت و انرژی چه مبلغ هست و باید باشد، یک مسأله است و اینکه چگونه و با چه قیمتی و تحت چه مکانیسمی آنرا به مصرف‏کننده داخلی‏ بفروشیم مسأله‏ای دیگر.مهم اینست که اولا محاسبات اقتصادی قیمت نفت،تمام و کمال، در نظر گرفته شود و هیچ نکتهء تاریک و ابهام‏ آمیزی در آن وجود نداشته باشد.

7-اگر فقط قیمتی را که اینک بنزین در کشورهای همجوار مثل ترکیه-پاکستان- افغانستان و دوبی بصورت قاچاق از ایران‏ فروخته میشود.

در نظر بگیریم بطور متوسط به قیمت لیتری‏ 600 تا 700 ریال میرسیم.و طبعا این در حالی است که قاچاق‏کنندگان این کالا را تقریبا به قیمت نزدیک به رایگان یعنی لیتری 50 ریال‏ بدست آورده‏اند و هزینه حمل و نقل تا مرزها نیز بر آن سربار شده و بقیه منافعی است که از ثروت‏ ملی بغارت برده‏اند.قیمت گازوئیل سوخت‏ کشتیها و قاچاق و حتی متأسفانه اعمالی که گاه‏ فقط میتواند نام دزدی دریائی فرآورده‏های‏ سوختی بخود بگیرد،خود داستان غم‏انگیز دیگری است،در حالیکه اگر قیمتها شفاف شود، و کالا به قیمت واقعی بدست مصرف‏کننده برسد، به زحمت میتوان فرض کرد که چنین حوادث‏ غمباری روی دهد.

8-قبول داریم که اقتصاد ما توان آنرا ندارد که یکباره همهء این اضافه قیمت را تحمل کند و ممکن است افزایش ناگهانی و سریع قیمتها اثرات‏ تورمی نارحتی برانگیز در جامعه بوجود آورد. بنابراین برنامه‏ای که از آن سخن میگوئیم باید بتدریج اجرا شود و هر سال گسترش یابد تا نهایتا هم جامعه آماده-پذیرش قیمتهای‏ واقعی گردد و هم تا حد امکان از مصرف بیهوده و غیرضروری سوخت و انرژی جلوگیری شود و هم‏ فشاری بیش از حد تحمل به مصرف‏کننده وارد نشود.

9-در این راستا،نظر اینست که قیمتی برای‏ نفت و گاز در سر چاه تعیین شود.عادلانه‏ترین‏ محاسبه اینست که سبدی از قیمت معدل انرژی‏ حاصله از دیگر منابع،غیر از هیدروکربورها، در نظر گرفته شو.مثل قیمت هر کیلو وات انرژی‏ حاصل از انرژی خورشیدی-انرژی حاصل از امواج-انرژی اتمی و انرژی آبی در محل تولید- هزینه‏های آلودگی زدائی از آن کسر شود ومبنای‏ قیمت سر چاه قرار بگیرد.

10-آنگاه قیمت حمل تا مرحلهء رسیدن به‏ دست مصرف‏کننده تعیین شو.که هزینه‏های‏ لوله‏کشی،تعمیر لوله‏های نفت و نگهداری از آنها، پمپاژ و استلاک(با رعایت اصل هزینه‏ جایگزینی)-و در مورد برق هزینه‏های خاص‏ خود تا رسیدن آن به دست مصرف‏کننده- تعیین شود.این قیمت پایه خواهد بود و چون‏ دولت نباید قصد تحصیل سود از مایحتاج مردم‏ داشته باشد مناسب است که همین قیمت-در فرصتی معقول و بتدریج-به مصرف‏کننده منتقل‏ شود.و رفته‏رفته همین شفافیت قیمتها در مورد دیگر کالاهای دولتی و خصوصی-و البته مزدها و حقوقها-رعایت شود تا انشاالله در فرصتی‏ مناسب و معقول همهء امور اقتصادی جامعه- صرفنظر از آنکه تحت تصدی دولت یا با مالکیت‏ خصوصی اداره میشوند-براساس محاسبات سالم، کامل و جامع و مانع استوار گردد.(در این راستا طبیعی است که بهره‏وری صحیح از نیروی انسانی‏ و انتقال نیرهای اضافی به بخشهای جدید،جزو ضروریات محسوب میشود.)

11-آنچه علاوه بر آن در آمدهای دولت باید بدون هیچگونه استثاء عینا،بصورت روزانه‏ یا هفتگی به خزانهء دولت واریز و رسید دریافت‏ شود.

12-در مورد امور کشاورزی کلیه اضافه قیمت- پس از وضع قیمت تمام شده(که الزاما باید همهء عوامل در آن محفوظ شود)از طرف خزانه‏ باید در اختیار بانکهای کشاورزی قرار بگیرد و بانکهای کشاورزی آنرا بصورت کمک به تولید کنندگان محصولات ضروری کشاورزی(که دولت‏ فهرست و مبلغ کمک به آنها را تعیین میکند) براساس حجم تولید واگذار کند(که بهتر است‏ این واگذاری بصورت وام ارزان باشد یا در اختیار گذاشتن بذر مرغوب-کود-سم ضد آفات و ابزار و ماشین‏آلات و غیره،بصورت‏ رایگان یا ارزان و یا بهتر از آن،بصورت ارائه‏ خدمات مثل سمپاشی کردن بموقع مزارع و یا شخم‏زدن زمینهای کشاورزان با تراکتورهای‏ متعلق به بنگاههای عمومی خاص و نظائر این‏ها) 13-در یک جامعهء سالم که تولید آن انحصارا در دست دولت است و مسأله رقابت و مکانیسم‏ بازار آزاد در آن مصداق ندارد.نمی‏توان و نباید کالا را به دو قیمت عرضه کرد.

14-در مورد صنایع و نیز روشی کم و بیش مشابه‏ روش گفته شده برای کشاورزی-منتهی با خصوصیات سازگار با صنعت باید بکار گرفته‏ شود.یعنی افزایش قیمت سوخت و انرژی مربوط به بخش صنعت در اختیار بانکهای صنعتی قرار گیرد تا کارمزد ارزان به صاحبان صنایع‏ واگذار شود تا بمصرف نوسازی و جایگزین کردن‏ ماشین‏آلات فرسوده،گسترش واحدها-تأمین‏ مواد اولیه و واسطه برسانند.اما تحت هیچ شرائطی‏ نباید در قیمت سوخت و انرژی مصرفی آنها تخفیف‏ داده شود تا صرفه‏جوئی در سوخت بمرحلهء عمل‏ گذاشته شود و مجالی برای فسادهای ناشی از چند قیمتی یک کالا پیش نباید و احیانا بصورت انگیزه‏ای‏ برای گسترش استفاده از گاز در صنایع و یا یافتن و بکار گرفتن منابع جدید انرژی شود.(توجه‏ میفرمائید وقتی سخن از برنامه‏ریزی در میان است‏ ما باید آینده‏های دورتر را در مدنظر داشته‏ باشیم.طبیعی است بهر صورت مابه‏التفاوت سوخت‏ در قیمت تمام شده محصولات آنها منعکس میشود و باید آنرا پذیرفت و از طریق دیگری که گفته خواهد شد،خانواده‏های کم‏درآمد را تحت‏ حمایت معقول-که در عین حال انگیزه کارو فعالیت و بهره‏وری بیشتر باشد-قرار داد.

15-در مورد تاکسی‏ها با توجه به تجربیات‏ بسیار ناخوش آیندی که در گذشته‏ای نه چندان‏ دور،دادن و کوپن یا بنزین ارزان آنها،بر جای‏ گذاشت و فساد در جامعه را تا حد باورنکردنی‏ گسترش داد،مطلقا هیچگونه تخفیفی تجویز نمیشود،بلکه میتوان براساس کارکرد واقعی‏ کیلومتر شمار دست کاری نشده و مهر و موم شدهء آنها،در مقاطع زمانی معقول لاستیک یا لوازم‏ یدکی ارزانتر در اتومبیل آنها نصب کرد تا بازار سیاه هم بوجود نیاید.لیکن هدف اساسی باید این باشد که خط مترو در شهرهای پرجمعیت به‏ راه افتد.استفاده از اتومبیلهای شهری برقی- ایجاد و توسعهء آنها،متداول شود.البته‏ اولویت در هر مورد به ساخت این وسائل در داخل-از طریق سرمایه‏گذاری مشترک با شرکتهای‏ خارجی،خواهد بود.

16-در مورد کامیونها و اتوبوسهای بیابانی- با فرض تعیی و اجرای قیمت عادلانه بلیط و هزینه حمل بار-میتوان با ارائه کارتهای تحت‏ کنترل پلیس راه-که تاکنون در حد خود خوب‏ عمل کرده است-ورقه‏ای از پلیس گرفت و هر سال درصدی از هزینه سوخت مصرفی را از بانک‏ بصورت نقدی باز پس گرفت تا هم دوگانگی در قیمت بوجود نیاید و هم مصرف‏کننده نهائی که‏ مشتریان و مسافران اتوبوسها هستند تحت فشار قرار نگیرند.در مورد کامیونها البته این درصد باید کمتر باشد زیرا که نهایتا قمستی از آن روی‏ قیمت محصولات آنها منعکس میشود.طبعا در هر مورد ظرف یک مدت پنجساله،کمکها باید به‏ صفر برسد و این وسائط نقلیه نیز بنزین یا گازوئیل‏ مصرفی خود را به قیمت شفاف شده واقعی‏ خریداری کنند و یا خود را گازسوز نمایند.

17-در مورد گاز،در اول خط لوله-یعنی در سر چاه-قیمت براساس قیمت فعلی محاسبه‏ شود و هزینه حمل‏ونقل(هزینه‏های لوله‏کشی‏ براساس استهلاک 25 ساله و با در نظر گرفتن‏ عامل بهای جایگزینی-یعنی منظور کردن تورم‏ داخلی و جهانی)بر آن افزوده شود تا به دست‏ مصرف‏کننده برسد و هزینهء مصرف مطلقا براساس کنتور تعیین شود و به محلهائی که کنتور ندارند یا واحدهائی که کنتور مشترک دارند کنت مجزا-براساس قیمت تمام شده-فروخته‏ شود و بر ایشان نصب گردد.البته قیمت مصرف‏ گاز میتواند براساس قیمت پله‏ای تغییر کند. معهذا باید در نظر داشت با توجه به قیمت‏ بالائی که برق و نفت و گازوئیل پیدا خواهد کرد، قیمت گاز-با توجه به فراوانی آن در کشور،و آلودگی کمتری که در مقایسه با نفت و گازوئیل‏ ایجاد میکند-باید طوری تنظیم و به مرحلهء اجرا گذاشته شود که بصورت انگیزه‏ای قوی‏ برای گازسوز کردن وسائلی که از نفت و گازوئیل‏ و بنزین استفاده میکند در آید و صرفه‏جوئی مورد نظر عملا تحقق یابد.

18-طبیعی است که رساندن قیمت نفت و گاز و گازوئیل و بنزین و برق هزینه تمام‏ شده-بعلاوه قیمتی که بعنوان انفال باید از مصرف‏کننده برای منافع همهء آحاد مردم جامعه‏ گرفته شود،قیمتها را در تمام زمینه‏ها افزایش‏ خواهد داد و احتمالا سرمایه‏گذاری جدید برای‏ مدتی تقلیل مییابد.اثرات تعدیلی گفته شده‏ در مورد کشاورزی و صنعت،نسبی خواهد بود و خانواده‏های کم درآمد دچار سختی بیش از پیش‏ معیشت خواهند شد.برای این امر از یک سو تعدیل نسبی حقوقها و دستمزدها-با توجه به‏ اینکه خود این امر نیز یک عامل تورمی محسوب‏ میشود-و نیز کمک نقدی به خانواده‏های نیازمند و توسعهء هرچند بیشتر تجویز میشود.این کمکها باید متناسب با درصدی باشد که نان‏آور خانواده‏ رأسا تأمین میکند تا کمک مستقیم دولت سبب‏ بیکارگی افراد نشود بلکه انگیزه کار بهتر و بیشتر گرد.استفاده از وسائط نقلیهء عمومی و ارزان‏ و توسعهء آموزشهای صحیح صرفه‏جوئی ر مصرف‏ نفت وانرژی و گسترش استفاده از گاز و سوختهای‏ دیگری غیر از آنچه از هیدروکربورها بدست‏ می‏آید،توصیه میشود.

19-در عین حال بمنظور رفع تنگناهای مالی‏ توصیه میشود ساختار وصولی وزارت دارائی‏ اصلاح شود و کسانیکه به هر نحوی برای خزانه‏ مالیات جمع‏آوری میکنند از ابتدا اقلام مالیات‏ را در صورت حسابها،تفکیک کرده و روزانه یا حداقل هر هفته،در برابر دریافت رسید،به‏ حساب خزانه واریز کنند و حساب‏"جمعی دخل‏ و خرج‏"مطلقا متوقف شود.

و سرانجام آنکه،چون نفت و گازو فرآورده‏های‏ آنها از منابع ثروت ملی و تمام شدنی هستند، باید تا سر حد وسواس تلاش کرد که درآمدهای‏ داخلی و خارجی حاصل از آنها صرف سرمایه- گذاریهای سودمند و ثمربخش گردد و بر ارزش‏ افزوده جامعه بیفزاید و طبعا سهمی معقول‏ از این درآمد باید بمصرف یافتن و ساختن منابع‏ و دستگاههای جدید تولید انرژی از منابع دیگر، از جمله انرژی حاصل از خورشید و امواج گردد.

20-از نقطه مکانیسم اجرائی پیشنهاد میکند:

الف-چون در اجرای برنامهء دوم یکسال تأخیر روی داده،شروع تعذیل نیز همزمان با شروع برنامهء دوم،یعنی از ابتدای سال‏ 1374 باشد،لیکن برنامه‏های اجرائی- قوانین و آئین‏نامه‏های اجرائی از هم‏اکنون‏ و هر چه سریعتر بصورت نهائی در آید.

ب-نرخ محاسبه هزینه‏های استخراج و پالایش‏ و توزیع براساس هر دلار 1750 ریال-در ابتدای کار-محاسبه شود و در قیمتهای‏ فرآورده‏ها منظور شود.

پ-نرخ سوخت هواپیماها براساس نرخهای‏ بین‏المللی یا معدلی از آنها تعیین شود.

ت-نرخ گازوئیل کشتی‏ها نیز بر همین اساس‏ تهیه و بموقع اجرا گذاشته شود.

ث-در نرخها-با اعلام قبلی-هر ششماه‏ یکبار-براساس تغییرات قیمت دلار و نیز براساس رسیدن به هدف نهائی که عرضه‏ نفت و انرژی به قیمت تمام شده واقعی‏ باشد،تجدید نظر بعمل آید و آمادگی‏ ذهنی برای پذیرش تغییرات از طریق‏ تبلیغات صحیح و اظهارنظر وسیع کارشناسان، فراهم آید.